

## نقش جراید و رسائل گیلان در شکل دهی افکار عمومی

در بازه زمانی ۱۳۳۲ - ۱۳۲۰ ش

مریم قلیزاده کلفتی

دانشجوی دکتری تاریخ و فرهنگ دوره اسلامی، گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر،

ایران. maryamgholizadeh<sup>۱۶</sup>@gmail.com

میراسدالله صالحی پناهی (نویسنده مسئول)

گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.

assadsalehi@yahoo.com

محبوب مهدویان

گروه تاریخ، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران.

dr.m.mahdavian@gmail.com

نازلی اسکندر نژاد

گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران

nazli.eskandarinejad@yahoo.com

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۲۱ دوره ۱۹ شماره ۷۴ پاییز ۱۴۰۳ صفحه ۳۴۴-۳۲۶

تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۳/۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۲۷

### چکیده

جرائد و رسائل در استان گیلان در دوره مشروطه و پس از آن در شکل دهی افکار عمومی، ارتقاء آن و بهبود آزادی خواهی نقش درخور توجهی داشته است. این شکل دهی به افکار عمومی را می توان در نقشی که استان گیلان در قیام میرزا کوچک خان جنگلی و نهضت ملی شدن صنعت نفت داشته مشاهده نمود. انتشار قریب دویست نشریه از صدر مشروطیت تا انقلاب ۵۷ و پس از آن انتشار صدها روزنامه، هفته نامه، ماهنامه و... از ابتدای انقلاب تا کنون یکی از امتیازات بزرگی است که شامل حال استان گیلان شده است. مقاله حاضر با هدف بررسی نقش جرائد و رسائل گیلان در شکل دهی افکار عمومی گیلان در بازه زمانی ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ با استفاده از مطالعات کتابخانه ای صورت پذیرفته است. یافته ها نشان می دهد که در بازه زمانی ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ جرائد متعددی در گیلان به چاپ رسیده است. روزنامه «البرز» به مدیریت «شکراه کیهان»، روزنامه «بدر منیر» به مدیریت «سید جلال الدین بدری»، روزنامه «پرورش» به مدیریت «میراحمد مدنی» تنها نمونه هایی از این جرائد تأثیرگذار در افکار عمومی گیلانیان هستند. واژگان کلیدی: جرائد، رسائل، افکار عمومی.

## مقدمه

به زبان ساده روزنامه‌نگار گیلانی برآمده از عصر مشروطه، در پیوند با جوشش آزادی‌خواهانه‌ی ملی، شاید به پشتیبانی مجموعه‌ای از احزاب و سازمان‌ها و تشکلهای سیاسی و اجتماعی یا جریانات ایدئولوژیک وطنی و فراملی دارای قدرت و نفوذ در میان توده، آن‌قدر اعتماد و اتکای به نفس داشته و آرا و دغدغه‌هایش را واجد کیفیت و دارای دقایق و ظرائف عمیق و خواندنی می‌دانسته که مطبوعه‌اش را حتا برای مخاطبینی خارج از حوزه‌ی فرهنگی، زبانی، و نژادی خودش هم تعرفه کرده است. البته این رویکرد متعادل به مخاطب درون و بیرون، در مطبوعات گیلان دیری نپایید و پس از شکست جریان مشروطه، با شیب ملایمی از زمان برآمدن رضاخان در قامت یک پادشاه در سال ۱۳۰۵ تا زمان به تخت نشستن پهلوی دوم در سال ۱۳۲۰ به سمت بومی‌گزینی و بومی‌نویسی میل کرد و جریانی را شکل داد که تا امروز نیز امتداد یافته است. این‌گونه است که از میان مطبوعات منتشر شده در گیلان از ابتدای پهلوی دوم تا دهه ۹۰ تعداد انگشت‌شماری نشریه منتشر شده است که مرزهای فرهنگی و سرزمینی گیلان را در نور دیده باشد و برای دیگرانی دورتر از خطه‌ی شمال هم حرف‌هایی خواندنی داشته باشد. نشریات پادنگ (ویژه هنر و ادبیات روزنامه‌ی طالب حق؛ ۱۳۳۵)، بازار (ویژه هنر و ادبیات؛ ۱۳۴۴)، سایه‌بان (ویژه هنر و ادبیات؛ ۱۳۴۹) و ویژه‌ی هنر و اندیشه‌ی گیله‌وا (۱۳۷۳) و این اواخر دیلمان.

اگر بخواهیم بدانیم زمان شکوفایی مطبوعات گیلان چه زمانی بوده است، و دوره‌ی عسرت و فترت آن از کجا آغاز شد، باید به سمتی از تاریخ نظر بیندازیم که مبدا تحولات سیاسی است. به واقع هرگاه رایحه‌ی آزادی و دموکراسی در پهنه‌ی گیلان زمین وزید، درخت مطبوعات در این خاک جوانه زد و بالید و به بار نشست، و بالطبع، بالعکس هرگاه تک‌گویی قانون شد و حاکمیت، فضای گفتگو را بست، قلم روزنامه‌نگار گیلانی شکست، بهار رفت و خزان برگ‌ریز به باغ مطبوعه‌ی بومی زد. آن‌گونه که از داده‌های کتاب تاریخ مطبوعات گیلان (رضا نوزاد، ۱۳۹۱)، و کتاب مطبوعات گیلان در عصر انقلاب (جکتاجی، ۱۳۶۱) به دست می‌آید، از آغاز نشر مطبوعات در عصر مشروطه تا زمان تثبیت انقلاب ۵۷ بیش از ۲۰۰ نشریه در گیلان منتشر شده است. برای فهم بهتر رابطه‌ی میان ذائقه‌ی حاکمیت سیاسی و کیفیت کار مطبوعاتی، ملاحظه‌ی عدد نشریات منتشر شده از این حدود ۲۰۰ نشریه، به تفکیک دوره‌های مختلف تاریخی، می‌تواند موثر افتد.

با این پیش‌فرض آمار استحصال شده از مطالعه‌ی کارنامه‌ی مطبوعات گیلان در ادوار مختلف سیاسی این‌گونه است:

- تعداد نشریات منتشر شده از عصر مشروطه تا پهلوی اول/دوره‌ی ۲۰ ساله ( ۱۲۸۶ تا ۱۳۰۵): ۶۸ نشریه است که از این تعداد، ۳۱ نشریه فقط در دوره‌ی ۵ ساله‌ی مشروطه منتشر شده است.
  - تعداد نشریات منتشر شده در عصر پهلوی اول/ دوره‌ی ۱۶ ساله ( ۱۳۰۵ تا ۱۳۲۰): ۱۸ نشریه
  - تعداد نشریات منتشر شده از زمان سقوط پهلوی اول تا پایان دولت ملی مصدق/ دوره‌ی ۱۲ ساله (۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲): ۸۲ نشریه. که از این تعداد ۵۲ نشریه فقط در ۲ سال دولت مصدق منتشر شد است.
  - تعداد نشریات منتشر شده پس از واقعه‌ی ۲۸ مرداد ۳۲ تا انقلاب ۵۷/ دوره‌ی ۲۵ ساله: ۲۰ نشریه. بین سالهای ۵۴ تا ۵۷؛ پیش از پیروزی انقلاب، تنها دو روزنامه فریاد گیلان؛ به مدیریت احمد دلجو و بازار؛ به مدیریت گسکری و صالحپور، در گیلان منتشر می‌شد و الباقی نشریات یا توقیف شدند و یا با بهانه‌های رنگ به رنگ؛ تطمیع، تشویق یا تهدید! از ادامه‌ی انتشار باز ماندند.
  - این مقاله در صدد است تا با بررسی نشریات به چاپ رسیده در برهه زمانی ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به بررسی شکل دهی افکار عمومی گیلانیان توسط این نشریات به چاپ رسیده بپردازد.
- دوره‌های تاریخی نشریات**
- گیلان یکی از استان‌های پیشگام در عرصه چاپ و انتشار مطبوعات در ایران است. انتشار روزنامه خیرالکلام در سال ۱۳۲۵ قمری برابر با یکم مردادماه ۱۲۸۶ خورشیدی به صاحب امتیازی و مدیرمسئولی میرزا ابوالقاسم افصح المتکلمین در شهر رشت گواهی صادق و سندی مستدل بر این ادعای تاریخی، فرهنگی، سیاسی و... است. انتشار قریب دویست نشریه از صدر مشروطیت تا انقلاب ۵۷ و پس از آن انتشار صدها روزنامه، هفته نامه، ماهنامه و... از ابتدای انقلاب تا کنون یکی از امتیازات بزرگی است که شامل حال استان گیلان شده است. چرا که از آن دوران تا به امروز مهم‌ترین وقایع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، هنری و... این که در گیلان به وقوع پیوسته در آنها ثبت و ضبط گردیده که در واقع منبع و مأخذی مرجع برای پژوهشگران و نویسندگان نسل های بعد است.
- تاریخ جراید ایران در قبل از انقلاب سال ۵۷ را به ۵ دوره تقسیم کرده اند؛
- دوره نخست، از آغاز پیدایش مطبوعات تا عصر مشروطه. (در این دوره کلیه نشریاتی که منتشر می‌شد، دولتی و یا حکومتی بود).

- دوره دوم، از دوره مشروطه آغاز و تا انقراض سلسله قاجاریه ادامه پیدا می کند. (رفته رفته، بعد از وقوع انقلاب مشروطیت و امضای فرمان مشروطه در چند روز باقی مانده از عمر مظفرالدین شاه قاجار، فضای سیاسی کشور بازتر شد و در نتیجه در این عصر نشریات زیادی به نام افراد صادر و منتشر می شد.)
- دوره سوم، مطبوعات ایران مربوط به نشریات منتشره در عصر رضا شاه است. در دوره رضا شاه خفقان بسیار زیادی بر مطبوعات ایران حاکم بود، به نحوی که در این عصر درصد بالایی از نشریات حکومتی و یا همراه و همگام به سیستم حاکمه بودند و اگر غیر از این می بود، اجازه انتشار نمی یافت.
- دوره چهارم انتشار نشریات در ایران از سال ۱۳۲۰ آغاز و تا کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ ادامه پیدا می کند. بی شک یکی از دوره های مهم در تاریخ معاصر ایران، از سقوط سلطنت رضا شاه پهلوی تا کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ است. چرا که بعد از سقوط رضا شاه در سوم شهریور سال ۱۳۲۰، تا کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ ایران همواره آستان حوادث مهمی بود. از اشغال ایران توسط متفقین و شکل گیری و فعالیت احزاب و دسته جات گوناگون سیاسی گرفته تا درگیری های جناحی و حزبی، غائله آذربایجان در سال ۱۳۲۴، ترور شخصیت های طراز اول کشوری، ملی شدن صنعت نفت، اولین فرار محمدرضا شاه پهلوی در نهم اسفند سال ۱۳۳۱ و سقوط دولت مصدق و...
- پنجمین دوره انتشار مطبوعات در ایران هم بعد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ آغاز می گردد و تا پایان سلطنت محمدرضا شاه پهلوی ادامه پیدا می کند.

#### بررسی جرائد دوره دوازده ساله ۱۳۲۰-۱۳۳۲

دوره دوازده ساله ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ ش، دوره بی نظیری در تاریخ مطبوعات ایران است. تعداد مطبوعات با وجود محذورات مختلف دولت در اعطای امتیاز، در این دوره رشد فزاینده ای داشت. ۲۶۸۲ عنوان جدید به مطبوعات کشور پیوست که بی سابقه و بیانگر اهمیت این برهه از تاریخ مطبوعات ایران است و اگر مجموع عناوین جراید را از آغاز تا ۱۳۳۲ ش در نظر بگیریم، از حدود ۴۳۷۶ عنوان، ۵۶٪ کل مطبوعات کشور به این دوره دوازده ساله تعلق دارد. از خصایص مهم این دوره، افزایش تعداد جراید خصوصی بود که در کنار ۱۲۹ عنوان نشریه دولتی، فعالیت می کردند (برزین، ۱۳۷۰: ۱۴، ۲۰، ۲۱). همچنین روزنامه نگاری این دوره از انحصار اطلاع رسانی و درج وقایع خبری خارج شد و تحلیل و تفسیر محتوای خبر بیش از هر چیز مورد توجه واقع گردید و مقاله های ترجمه شده

از مطبوعات خارجی در باره مسائل روز در صفحه‌های نخست روزنامه جای گرفت. از جمله این جراید، روزنامه‌های ایران ما و نبرد، ترجمان حزب پیکار، بودند که مقاله‌های خارجی زیادی در آنها درج می‌شد. همچنین در این دوره، نشر روزنامه‌نگاری از شیوه سنتی، که متأثر از شیوه نگارش فرانسه بود، به شیوه انگلیسی تغییر یافت، که از ویژگیهای آن دوری از تکرار و جمله‌پردازی و در برابر، به کار بردن جمله‌های طولانی تحلیلی بود. راه یافتن واژه‌های انگلیسی به روزنامه‌های فارسی، جنبه دیگری از نفوذ روزنامه‌نگاری انگلیسی را نشان می‌داد (همایون، ۱۳۷۷: ۲۴۷). در میان نشریات این دوره، افزون بر جراید سیاسی، نشریات موضوعی یا تخصصی نیز فعالیت پر رونقی داشتند.

دوره پهلوی دوم. از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ ش، بار دیگر آزادیهای صدر مشروطه برای جراید فراهم شد. طی ماههای نخست، جراید زیادی با کسب امتیاز به جرگه مطبوعات پیوستند، چنانکه در سه ماه نزدیک به سیصد مجوز روزنامه و مجله صادر شد (عاقلی، ۱۳۶۷: ۱۸۲). این تعداد علاوه بر روزنامه‌های دوره رضاشاه (نظیر آینده ایران، اطلاعات، ایران، کوشش و اقدام) بود که در این دوره به فعالیت خود ادامه دادند. در میان جراید تازه تأسیس، روزنامه کیهان به مدیریت عبدالرحمان فرامرزی از مشهورترین روزنامه‌هایی بود که در ۱۳۲۱ ش، با هدف رقابت با روزنامه اطلاعات، منتشر شد. این دو روزنامه دیرپا، که تا امروز نیز فعالیت دارند، در دوران پهلوی به غول‌های مطبوعاتی یا غول‌های درباری معروف بودند (فردوست، ۱۳۷۰: ۱۳۲-۱۳۳).

در این دوره زمانی مورد نظر این تحقیق در گیلان روزنامه‌های متعددی به چاپ رسیده است. از جمله این نشریات می‌توان از روزنامه «البرز» به مدیریت «شکرااله کیهان»، روزنامه «بدر منیر» به مدیریت «سید جلال‌الدین بدری»، روزنامه «پرویش» به مدیریت «میراحمد مدنی»، روزنامه «دادستان» به مدیر مسئولی فردی بنام «بیشه بان»، روزنامه «دلیر» به مدیر مسئولی «نعمت اله نعیمی اکبر»،

در بررسی نامه‌نگاری‌های انجام شده برخی از مدیران این روزنامه‌ها با دربار و وزرای آن به طیف فکری رایج در گیلان در آن برهه زمانی نیز اشاره شده است. به عنوان نمونه در نامه نوشته شده از سوی شکرااله کیهان مدیر مسئول روزنامه البرز با قوام السلطنه در تاریخ ۱۳۲۶/۴/۲۸ چنین آمده است: «حضور محترم جناب اشرف آقای قوام السلطنه نخست وزیر محبوی ایران - مفاد مقالات بعضی مدیران جراید، فرزندان سیاسی امروز گله‌گذاری از ناخیر وصول به آرزوهای جوانانه بوده که متأسفانه با احساسات فردی توم شده با عبارات دور از ادب نگاشته شد؛ قابل بخشش می‌باشند. استدعای عفو و آزادی مدیران روزنامه [را] از جناب اشرف مظهر عدالت اجتماعی، دارم. آزادیخواهان و روشنفکران نیز بالطبع آنان را عفو خواهند نمود. بیماری مانع سعادت شرفیابی شده.»

یا در نامه‌نگاری مورخ ۱۳۲۵/۴/۲ با تقاضایی جهت توقیف و توقف انتشار روزنامه دلیر با متن زیر مواجه ستیم: «جناب آقای نخست وزیر، گزارش - محترمانه معروض می دارد: چون بر طبق شماره ۳۲ - مورخه ۱۳۲۵/۴/۱ معاونت پارلمانی آن جناب مندرجات شماره ۲ روزنامه دلیر برخلاف مصالح کشور و سیاست دولت تشخیص داده شد، علیهذا به اداره کل شهربانی دستور داده شد که از انتشار روزنامه مزبور جلوگیری نمایند.»

از ویژگی مطبوعات این دوره می‌توان به این موارد اشاره کرد: درج مشکلات مردم در طیف وسیع، انتقاد گسترده از دولتهای وقت، اتحاد و همکاری در قالب گروههای مطبوعاتی، ابتکار مدیران جراید در همدلی با صاحبان جراید توقیف شده (پدیده جانشینی)، ظهور مطبوعات جناحی و درگیری قلمی مدیران آن با یکدیگر. نخستین نشانه‌های آزادی قلم در درج مطالب تند برضد حکومت ساقط شده رضاشاه و درخواست محاکمه برای عوامل بازمانده آن دوران نمود داشت.<sup>۱</sup> روزنامه‌ها به بحث درباره نارسایی‌های اجتماعی، تأمین معیشت مردم، کمبود ارزاق، گرانی و لزوم تشکیل حزب می‌پرداختند. آنان خواهان مشارکت بیشتر در امور سیاسی کشور بودند و از همین رو، روزنامه‌ها آکنده از توصیه، اندرز و بیشتر انتقاد از حاکمان وقت و تهدید آنان بود.<sup>۲</sup> در ۱۷ آذر ۱۳۲۱، کمبود خواربار، که ناشی از اشغال ایران و عملکرد ضعیف دولت بود، به همراه عوامل دیگر به شورش انجامید که به «بلوای نان» مشهور گردید. در پی بروز این واقعه، که روزنامه اطلاعات محرک آن معرفی شد، دولت دستور تعطیل جراید را صادر کرد که ۴۳ روز ادامه داشت و در این مدت، فقط روزنامه اخبار روز منتشر می‌گردید. هم زمان با تعطیل جراید، دولت قوام‌السلطنه لایحه‌ای تقدیم مجلس کرد که به تصویب قانون ۳ دی ۱۳۲۱ انجامید. جراید، پس از رهایی از توقیف، خشم خود را از بابت خسارت‌هایی که طی توقیف طولانی بر آنان وارد شده بود، ابراز کردند و خواستار محاکمه قوام‌السلطنه شدند.<sup>۳</sup>

۱. برای نمونه رجوع کنید به: مظفر فیروز، «محاکمه عمال دیکتاتوری یا محکومیت رژیم بیست ساله: دولت باید استرداد رضاخان را برای محاکمه بخواند»، (رعد امروز، سال ۱، ش ۶، ۷۵ بهمن ۱۳۲۲، ص ۱؛ «مختاری‌ها باید اعدام شوند»، ستاره هفتگی، ش ۲، ۷۱ مرداد ۱۳۲۱، ص ۱)

۲. برای نمونه رجوع کنید به: «مردم گرسنه و برهنه هستند»، کوشش، سال ۲۰، ش ۴۸۰۹، ۲۹ دی ۱۳۲۰، ص ۱؛ عیسی بهزادی، «مملکت مشروطه حزب می‌خواهد»، اقدام، سال ۲۱، ش ۴، ۲۴ دی ۱۳۲۰، ص ۱؛ «قابل توجه آقای نخست‌وزیر»، مهر ایران، سال ۱، ش ۱۱۸، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۲۱، ص ۱

۳. برای نمونه رجوع کنید به: حریرچیان ساعی، «چرا قوام‌السلطنه محاکمه نمی‌شود؟»، نسیم شمال، سال ۲۹، ش ۲، ۱۸ فروردین ۱۳۲۲، ص ۱

با تشکیل احزاب سیاسی، بسیاری از جراید به خدمت احزاب در آمدند که آغازی برای دسته‌بندی جراید چپ و راست و ملی‌گرا در دهه ۱۳۲۰ ش بود. در پی رونق مطبوعات حزبی و جناحی، درگیریهای قلمی نیز شدت گرفت. حزب توده، که به دلیل وسعت تشکیلات، جراید متعددی (نظیر رزم، رهبر، نامه مردم، فرمان ظفر و به سوی آینده) در اختیار داشت، با جراید راستگرا - که حامی سید ضیاءالدین طباطبایی و وابسته به احزابی چون حزب اراده ملی بودند به نزاع قلمی برخاست.<sup>۴</sup> بازگشت سیدضیاء به ایران در ۱۳۲۲ش، سرآغاز تنش میان جراید بود. گروهی از جراید به هواخواهی از مشی سیاسی و فکری وی برخاستند. مظفر فیروز روزنامه رعد امروز را، که احیای روزنامه رعد محسوب می‌شد، در همان سال منتشر کرد که ترجمان حزب اراده ملی وابسته به سید ضیاء بود.<sup>۵</sup> روزنامه‌هایی چون کشور، وظیفه، هور، روزنامه قدیمی کوشش، و کاروان غالباً نخستین شماره‌های خود را با طرفداری از سیدضیاء آغاز کردند و در ۱۳۲۵ ش، پس از بازداشت سید ضیاء، توقیف شدند. تعدادی از این جراید پس از رفع توقیف به صورت مستقل به کار خود ادامه دادند.<sup>۶</sup> موضع‌گیری منفی و نزاع قلمی میان جراید، مانع از اتحاد آنان بود، در صورتی که همبستگی آنان می‌توانست رکن قدرتی در حیات سیاسی کشور باشد، چنانکه روزنامه قیام ایران (به مدیریت حسن صدر)، که از جراید ملی‌گرا بود، از نحوه برخورد جراید با یکدیگر اظهار تأسف کرد و آن را مانعی در هدایت مردم دانست.<sup>۷</sup>

جراید با مواضع سیاسی مختلف، دولتها را در خصوص عملکرد ضعیفشان به باد انتقاد می‌گرفتند و یکی از عوامل استیضاح یا استعفای دولتها، فشار مطبوعات بود، چنانکه شکست سیاسی دولت فروغی و سهیلی، که به استعفای آنها انجامید، در نتیجه فشار جراید و مخالفت مجلس بود.<sup>۸</sup> از سوی دیگر، جراید در همراهی با دولت نیز فعالیت می‌کردند و در صورتبندی قدرت در کشور نقش اساسی داشتند. در ۱۳۲۲ ش، زمانی که احساسات عمومی بر ضد متفقین و موافق دول‌محور بود،

<sup>۴</sup>. رجوع کنید به: «محاكمه و مجازات سید ضیاء مورد انتظار ملت ایران است»، فرمان، ش ۳۱، ۷ فروردین ۱۳۲۵، ص ۱؛ «حزب توده دشمن ایران»، رعد امروز، ش ۳۰۲، ۱۵ آبان ۱۳۲۳، ص ۱؛ نیز رجوع کنید به: حزب توده ایران.  
<sup>۵</sup>. مظفر فیروز، «طلوع رعد امروز: هدف ایران‌نو، ایران آزاد، ایران مستقل»، رعد امروز، سال ۱، ش ۵، مهر ۱۳۲۲، ص ۱

<sup>۶</sup>. ابوالفضل آلبویه، «مرد کار لازم است»، کاروان، سال ۱، ش ۳، ۲۷ شهریور ۱۳۲۲، ص ۱؛ «سید ضیاءالدین پرچمدار استقلال ایران: عمال توده بر باد دهنده حاکمیت ملی»، کشور، ش ۷۴، ۱۵ شهریور ۱۳۲۴، ص ۱

<sup>۷</sup>. رجوع کنید به: «امان از نزاع توده با وطن»، قیام ایران، سال ۱، ش ۲، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۲۳، ص ۱

<sup>۸</sup>. رجوع کنید به: ایران. مجلس شورای ملی، دوره ۱۳، جلسه ۱۵۸، مورخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۲۲؛ «کابینه تاریخی»،

مهر ایران، سال ۱، ش ۶۷، ۱۲ اسفند ۱۳۲۰، ص ۱

روزنامه «مرد امروز» یکی از جنجالی‌ترین و پرخواننده‌ترین جراید آن دوره با چاپ مقاله‌ای از حسن ارسنجان، روزنامه‌نگار، درباره اعلام جنگ به دول محور و مزایای همراهی با متفقین پس از پایان جنگ، دولت سهیلی را — که مترصد فرصتی برای قراردادن ایران در صف متفقین بود برانگیخت و موجب شد تا این دولت پس از مدتی لایحه اعلام جنگ به دول محور را به مجلس ببرد.<sup>۹</sup>

در ۱۳۲۴ ش، با تشکیل حکومت خودمختار آذربایجان، جراید مواضع مختلفی اتخاذ کردند. جراید چپگرا جنبش آذربایجان را ملی خواندند و آن را واکنشی در قبال اجحافات دولت مرکزی قلمداد کردند. جراید راستگرا آن را اقدامی در جهت تجزیه ایران ارزیابی کردند و جراید ملی‌گرا هشدار دادند که آذربایجانیها نباید خواسته‌های خود را به منطقه خاصی محدود کنند.<sup>۱۰</sup> روزنامه آتش، که نخستین شماره‌اش در فروردین ۱۳۲۵ منتشر شد، از جمله روزنامه‌هایی بود که از همان آغاز به حوادث آذربایجان پرداخت و از تجزیه ایران ابراز نگرانی کرد.<sup>۱۱</sup> در ۱۳۲۵ ش، دولت قوام‌السلطنه پس از موفقیت در ساقط کردن حکومت خودمختار آذربایجان، از حمایت گروهی از جراید تازه تأسیس برخوردار شد؛ روزنامه‌هایی نظیر اتحاد، پیروزی، پیک تهران، دیپلمات، راد، و دموکرات ایران که در همان سال نخستین شماره‌های آنها منتشر شد و نیز جراید با سابقه‌ای چون داریا\*، بهرام و گفتار که با دولت همراهی می‌کردند.<sup>۱۲</sup>

آزادی قلم بین سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ ش با شدت و ضعف ادامه داشت و مظهر این آزادی، انتقادهای تند از دولت بود که، به‌رغم محدودیتهای نسبی، همچنان صورت می‌گرفت و گاه چنان شدت می‌یافت که عبدالحسین هژیر، نخست‌وزیر وقت، در پی حملات مداوم جراید گفت: «باید شمشیر قلم را مرتب نکشید که کند می‌شود» (سفری، ۱۳۹۹: ۲۴۰).

<sup>۹</sup> حسن ارسنجان، «ایران باید داخل جنگ شود»، مرد امروز، سال ۱، ش ۱۰، ۸ مرداد ۱۳۲۲، ص ۲؛ ایران. مجلس شورای ملی، دوره ۱۵، جلسه ۱۶، مورخ ۲۲ شهریور ۱۳۲۶

<sup>۱۰</sup> رجوع کنید به: «امروز آنجا فردا اینجا و بزودی همه‌جا»، ایران ما، ش ۴۴۰، ۲۳ مرداد ۱۳۲۴، ص ۱؛ «مگر آرزوی تجزیه آذربایجان را با خویشتن به گور ببرید»، صدای وطن، سال ۲، ش ۳، ۱۹ آبان ۱۳۲۴، ص ۱؛ آقای پیشه‌وری باید بدانند که حفظ استقلال و تمامیت خاک ایران مافوق مسایل قرار دارد»، جبهه، سال ۱، ش ۱۴۴،

۱۷ اردیبهشت ۱۳۲۵، ص ۱

<sup>۱۱</sup> رجوع کنید به: «ملت ایران در نگرانی و اضطراب به سر می‌برد»، آتش، سال ۱، ش ۴، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۲۵، ص ۱

<sup>۱۲</sup> رجوع کنید به: «به عناصر آزادیخواه»، دیپلمات، سال ۱، ش ۲۴، ۲۵ بهمن ۱۳۲۵، ص ۱؛ صدقی، «هوچی‌گری بس است...»، گفتار، سال ۳، ش ۳، ۲۰ دی ۱۳۲۵، ص ۱

جنبش مردمی برای ملی کردن صنعت نفت، شور جدیدی در جراید ایجاد کرد. دو روزنامه باختر امروز (به مدیریت حسین فاطمی) و شاهد (به مدیریت مظفر بقایی کرمانی) در تابستان ۱۳۲۸ ش، به مثابه بلندگوی ملی‌گرایان برای ملی کردن صنعت نفت، پدید آمد. همراهی عده‌ای از مدیران جراید با دکتر مصدق در مخالفت با جریان انتخابات دوره شانزدهم به تشکیل جبهه ملی انجامید. دخالت آشکار دولت وقت در انتخابات مجلس، برای تصویب قرارداد الحاقی نفت بود که جبهه ملی با آن به شدت مخالفت می‌کرد. جراید، به دلیل افشاگری درخصوص فساد انتخابات، مکرر توقیف می‌شدند، چنانکه در عرض یک هفته بیش از بیست روزنامه توقیف شد<sup>۱۳</sup>. در برابر جراید حامی ملی کردن صنعت نفت، گروهی از جراید، نظیر سفیر و ارشاد ملت، نیز بودند که با دکتر مصدق مخالفت کردند و از دولت رزم‌آرا - که مخالف ملی کردن صنعت نفت بود حمایت نمودند<sup>۱۴</sup>.

پس از ترور رزم‌آرا (اسفند ۱۳۲۹)، جنبش مردم به پیروزی رسید و صنعت نفت در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ ملی اعلام شد. با نخست‌وزیری دکتر مصدق در اردیبهشت ۱۳۳۰، دوره‌ای از آزادی قلم برای روزنامه‌نگاران مهیا گردید که در تاریخ مطبوعات ایران کم نظیر است. اعطای آزادی قلم از نخستین اقدامات دکتر مصدق بود. او اعلام کرد که مطبوعات هر قدر از وی و دولتش انتقاد کنند تحت تعقیب قرار نخواهند گرفت (مصدق، ۱۳۶۵: ۳۷۴). آزادی عمل جراید زمینه را برای روزنامه‌نگاران و جناحهای مخالف دولت فراهم کرد که در قالب سه دسته به مخالفت گسترده با دولت مصدق برخاستند: روزنامه‌های وابسته به جناح چپ به ویژه حزب توده؛ جراید مزدور شرکت نفت، موسوم به روزنامه‌های نفتی؛ و جراید فحاش، که بدون وابستگی مستقیم به جایی، در پی تضعیف دولت بودند. هر چند نخستین تقاضای دکتر مصدق در بدو تشکیل دولت، رعایت عفت قلم از سوی روزنامه‌نگاران و سوءاستفاده نکردن از آزادی بود (همان، ۱۳۵۸: ۶۷)، طی حکومت وی فحاش‌ترین روزنامه‌ها علیه دولت قد برافراشتند؛ روزنامه‌هایی چون آتش‌بار شرق، شلاق، کاوه نو، ندای سپهر، و غوغای ملت. روزنامه‌های نفتی نیز، در حمایت از منافع شرکت نفت، در تضعیف دولت می‌کوشیدند. با کشف اسناد خانه سدان، نماینده شرکت سابق نفت، تمام اسرار مربوط به روزنامه‌هایی که در تقویت سیاست انگلیس و حمایت از منافع شرکت نفت تلاش می‌کردند، برملا شد. این روزنامه‌ها مطالب توهین‌آمیز به سیاستمداران ایرانی و مقالات تحریک‌کننده را از ابوالقاسم

<sup>۱۳</sup> . «گلوی مطبوعات ملی را سخت فشار می‌دهند»، باختر، سال ۱۴، ش ۷۱، ۳۰ مهر ۱۳۲۸، ص ۱

<sup>۱۴</sup> . رجوع کنید به: «غوغای نفت: شعبده‌بازی نفتی‌ها»، سفیر، ش ۲۶، ۱۱ آبان ۱۳۲۹، ص ۱؛ «لیدر جبهه ملی مکنونات

قلبی خود را ظاهر ساخت»، ارشاد ملت، سال ۲، ش ۷۰، ۷ اسفند ۱۳۲۹، ص ۱

حداد، رابط مطبوعاتی شرکت نفت، دریافت می‌کردند. مقاله‌ها را تعدادی از نویسندگان، از جمله علی جواهر کلام، تهیه می‌کردند و در اختیار روزنامه‌ها قرار می‌دادند.<sup>۱۵</sup> به گفته اسماعیل رائین (۱۳۵۸ش: ۳۱۵)، روزنامه‌های چپگرا چون چلنگر، به سوی آینده، پیک امروز، و رنج و گنج، نیز برای شرکت نفت فعالیت می‌کردند.

از دیگر نشریات مخالف، جراید وابسته به فدائیان اسلام و مجمع مسلمانان مجاهد چون نبرد ملت و ملت ما بود و نیز نشریاتی که ضمن حمایت از آیت‌الله کاشانی با دولت دکتر مصدق مخالفت می‌کردند.<sup>۱۶</sup> در دوره دولت دکتر مصدق، حدود هفتاد روزنامه در مخالفت با دولت به شدت فعالیت داشتند (سفری، ۱۳۹۹: ۶۸۶). با وجود این، روزنامه‌های وابسته به جبهه ملی پشتیبان‌های قوی برای دولت محسوب می‌شدند. به گفته ملکی، مدیر روزنامه ستاره (همان: ۵۹)، جبهه ملی در جریان مبارزات خود، هسته مرکزی تبلیغات و انتشارات ایجاد کرد که در موفقیت جبهه بسیار مؤثر بود. به این ترتیب، سه دسته روزنامه تشکیل شد: روزنامه‌های طرفدار شخص دکتر مصدق؛ جرایدی که صاحبانش عضو مؤسس جبهه ملی بودند؛ و روزنامه‌هایی که جبهه ملی را به سبب طرفداری‌اش از آزادی انتخابات و الغای حکومت نظامی، تقویت می‌کردند. گروهی از این جراید تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سقوط دولت مصدق، به دولت وفادار ماندند و از دکتر مصدق حمایت کردند، از جمله هفته‌نامه شورش، به مدیریت کریم پورشیرازی، که از ۱۳۲۹ ش (مقارن با اوج‌گیری نهضت ملی) انتشار یافت. شورش نشریه‌ای تندرو و جنجالی بود که تا زمان موفقیت کودتا، از دولت مصدق حمایت کرد و به درباریان، به ویژه اشرف پهلوی، می‌تاخت و علاوه بر آن، از آیت‌الله کاشانی نیز انتقاد می‌کرد.

مجله هفتگی اقتصادی تهران اکونومیست نیز در ۱۳۳۱ ش به چاپ رسید که سبب آشنایی مردم با واژه‌های اقتصادی و رواج آنها شد. این مجله از بالاترین شمارگان برخوردار بود و به بسیاری از کشورها ارسال می‌شد (نواب بوشهری، ۱۳۴۷: ۲۸، ۳۲-۳۴).

<sup>۱۵</sup> رجوع کنید به: شاهد، ش ۲۶، ۱۹ تیر ۱۳۳۰، ص ۱؛ «مصاحبه با جناب آقای دادستان کل»، ستاره، سال ۱۵، ش

۳۷۴۴، ۱۹ تیر ۱۳۳۰، ص ۱

<sup>۱۶</sup> «حکومت جنایتکار مصدق چنگال درنده خود را تا جگرگاه مسلمانان فرو برد»، نبرد ملت، سال ۲، ش ۴۳، ۱۰ بهمن ۱۳۳۰، ص ۱؛ «دیشب به دستور مصدق در منزل آیت‌الله کاشانی ۲ نفر را مقتول و قریب بیست نفر را مجروح کردند»، ملت ما، ش ۶۰، یکشنبه ۱۱ مرداد ۱۳۳۲، ص ۱؛ «مصدق برای سازش با انگلیسیها توطئه قتل آیت‌الله کاشانی را چیده است»، آتش، سال ۶، ش ۴۴، یکشنبه ۱۱ مرداد ۱۳۳۲، ص ۲

از نشریات جدید کودکان در این دوره، مجله خردسالان، روزنامه فکاهی شنگول، و بازی کودکان بود. مجله کودک، و فریاد دانش‌آموز و نخستین فصلنامه کودک با عنوان آلبوم را جبار باغچه‌بان به چاپ رساند. اولین مجله غیرفارسی کودکان، با نام لوسابر، را ارمنیان منتشر کردند و نخستین مجله برای سنین قبل از دبستان، نغمه کودک نام داشت که در این دوره به چاپ رسید. اولین مجله مستمر دولتی، با عنوان دانش‌آموز، در ۱۳۲۷ ش و دومین مجله دولتی، با نام سازمان جوانان شیر و خورشید سرخ ایران، نیز در همان سال منتشر شد (حسین‌زاده، ۱۳۷۱: ۴۱-۴۴). نامه فرهنگستان از مجلات ادبی این دوره است که ابتدا با مدیریت محمد حجازی سپس رشیدیاسمی و با سردبیری حبیب یغمایی در اردیبهشت ۱۳۲۲ تأسیس گردید. نشر مجلات دانشگاهی نیز در این دوره آغاز شد. اولین نشریه دانشگاهی را دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز در فروردین ۱۳۲۷ منتشر کرد. پس از آن دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در ۱۳۳۲ ش نخستین نشریه‌اش را به چاپ رساند. دانشکده‌های ادبیات و علوم انسانی در دانشگاه‌ها پیشگام نشر مجلات بودند. از دیگر دانشکده‌های صاحب نشریه می‌توان به دانشکده‌های حقوق و علوم سیاسی و الهیات و معارف اسلامی اشاره کرد.

پس از کودتای ۲۸ مرداد بسیاری از جراید تعطیل شدند یا امتیازشان لغو گردید. گروهی از جراید نیز، پس از استقرار حکومت کودتا، تغییر موضع دادند. مطبوعات فعال پس از کودتا غالباً مخالف دکتر مصدق و حامی دربار بودند. هر چند در چنین فضایی روزنامه صرصر منتشر شد که آشکارا حامی مصدق بود و با دربار مخالفت می‌کرد، ولی عمر آن بیش از دو ماه نپایید و پس از توقیف‌های مکرر و نشر مجدد با عناوین دیگر، در آذر همان سال تعطیل شد. از دیگر نشریات حامی، مجله سپید و سیاه بود که در جریان محاکمه دکتر مصدق با شعار «مصدق پیروز است» از وی حمایت می‌کرد. برخی جراید حامی مصدق، نظیر مجلات روشنفکر به مدیریت رحمت مصطفوی و فردوسی به مدیریت نعمت‌الله جهانبانوئی، نیز با اندکی تغییر در شیوه خود، منتشر شدند (حجازی، ۱۳۷۵: ۱۴۵ و ۱۵۰؛ سفری، ۱۳۹۹، ج ۲: ۵۱، ۵۲، ۸۱، ۸۳).

پس از ۱۳۳۲ ش مطبوعات عامه‌پسند شد و کیفیت آنها پایین آمد. خبر رسانی و بی‌توجهی به مسائل سیاسی و اجتماعی بار دیگر در جراید باب شد و از آن پس، گرایش تدریجی جراید به سمت مسائل اقتصادی و علمی و پزشکی و فرهنگی بود و داستانها و پاورقیهای عاشقانه، تاریخی و پلیسی جانشین مباحث سیاسی و انتقادی شد. حسینقلی مستعان از جمله پاورقی‌نویسان مشهور بود که پاورقیهایش در مجله تهران مصور به چاپ می‌رسید (بهزادی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۶۳۷؛ برزین، ۱۳۵۴: ۱۵، ۱۷؛ برزین، ۱۳۷۰: ۲۲).

در دوره پس از کودتا، فشار و سختگیری دولت بر مطبوعات بیشتر شد. در اواخر دهه ۱۳۳۰ ش، در پی برنامه‌های دولت کندی، رئیس‌جمهور امریکا، برای مقابله با بروز انقلاب و نفوذ کمونیسم در کشورهای جهان سوم، ایران نیز همانند سایر کشورها، تحت تأثیر سیاست خارجی امریکا، به ایجاد تغییر و تحول و اصلاحات پرداخت و پس از یک دوره طولانی اختناق، در آستانه انتخابات مجلس بیستم، به گروه‌های سیاسی اجازه فعالیت داده شد که در پی آن مطبوعات نیز با بهره‌گیری از این فضا به فعالیت پرداختند و به این ترتیب، با انتشار اخبار سیاسی، به ویژه اخبار انتخابات، دور جدیدی از آزادی مطبوعات آغاز شد (سفری، ۱۳۹۹، ج ۲: ۳۱۱؛ بهزادی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۶۲-۶۴). این آزادی کوتاه مدت بود و اندکی بعد فشار آوردن بر مطبوعات از سر گرفته شد و حدود هفتاد روزنامه در آغاز دهه ۱۳۴۰ ش تعطیل گردید. از ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۳ ش، حدود ۲۳۰ نشریه منتشر شد. در این دوره بر تعداد هفته‌نامه‌ها که از دهه ۱۳۲۰ ش در عرصه مطبوعات پدیدار شده بود افزوده شد و هفته‌نامه‌های ورزشی چون کیهان ورزشی و تاج ورزشی نیز آغاز به کار کردند. از نشریات اقتصادی، مجله علمی - اقتصادی بازار خاورمیانه بود که در ۱۳۴۱ ش منتشر شد. دیگر، روزنامه بورس از انتشارات مجله بورس بود و مجله ماهانه اقتصاد و صنعت که در ۱۳۴۳ ش منتشر شد. کیهان بچه‌ها و اطلاعات کودکان از نشریات ویژه کودکان بودند که از ۱۳۳۵ ش با آغاز شدن فعالیت آنها صفحه‌های مخصوص کودکان در مجلات هفتگی حذف شد. حقوق امروز (مجله خاص مسائل حقوقی)، شکار و طبیعت (نشریه کانون شکار) و مجله موزیک ایران، از جمله نشریات فعال دهه ۱۳۳۰ ش و اوایل دهه ۱۳۴۰ ش بودند (برزین، ۱۳۴۴: ۱۲ - ۲۱).

### جراید محلی

روزنامه‌نگاری در شهرهای ایران، به جز پایتخت، از دوره ناصری آغاز شد که فاصله چندانی با انتشار نخستین روزنامه، یعنی کاغذ اخبار، نداشت. پیش از نهضت مشروطه، آذربایجان، فارس، اصفهان، مازندران، بوشهر، و خراسان؛ در صدر مشروطه، همدان، گیلان، یزد، کردستان، کرمانشاه، قزوین، اردبیل، مرکزی، کرمان، و لرستان؛ در اواخر دوره قاجار، قم؛ در دوره پهلوی اول، خوزستان، زنجان، چهارمحال و بختیاری، و گرگان (امروزه واقع در استان گلستان)؛ در دوره پهلوی دوم، هرمزگان، سمنان، و سیستان و بلوچستان؛ و پس از انقلاب اسلامی، ایلام و کهگیلویه و بویراحمد فعالیت مطبوعاتی خود را آغاز کردند. عناوین جراید محلی غالباً با پسوندی از نام منطقه، یا با واژه‌ای مرتبط با منطقه، همراه است و معمولاً به صورت روزنامه است که در فواصل مختلف مانند هفته، ماه و کمتر روزانه منتشر می‌شود. انتشار مجله نیز به ندرت صورت می‌گیرد. روزنامه‌ها از نوع

خبری است و در آنها به ندرت به موضوع‌های ورزشی، اقتصادی، ادبی و هنری پرداخته می‌شود. در عین اولویت اخبار محلی، خبرهای کشور نیز درج می‌گردد.

### نشریات تأثیرگذار گیلان

نخستین نشریه گیلان با نام خیرالکلام، به مدیریت شیخ ابوالقاسم افصح‌المتکلمین، در ربیع‌الآخر ۱۳۲۵ انتشار یافت. گفته شده است که نخستین نشریه گیلان، مجله هامائینک (جامعه) بود که در ۱۲۹۷ یا ۱۲۹۸ به ارمنی و فارسی منتشر شد، ولی هیچ اطلاع موثقی از آن در دست نیست و بنابراین، خیرالکلام اولین نشریه گیلان محسوب می‌شود. این روزنامه، پس از چند شماره، به سبب حمایت از مشروطیت، به دستور حاکم گیلان توقیف شد و با عزیمت افصح‌المتکلمین به تهران، چند شماره از آن در تهران انتشار یافت (فخرانی، ۱۳۷۲: ۲۶۶-۲۶۷؛ صدر هاشمی، ۱۳۶۴، ج ۲: ۲۶۰-۲۶۱؛ نوزاد، ۱۳۹۱: ۹). در همان سال (۱۳۲۵)، هفت روزنامه در رشت، دو روزنامه در لاهیجان و یک روزنامه در بندر انزلی تأسیس شد. تا پایان دوره قاجار، حدود هفتاد نشریه در گیلان انتشار یافت، از جمله گیلان، نوع‌بشر، راه‌خیال، صدای رشت، ساحل نجات، بدر منیر، و موبد (نوزاد، ۱۳۹۱: ۵۵، ۷۵، ۸۷ - ۸۸، ۹۴، ۱۰۹، ۲۴۰). چند نشریه طنز نیز در این مدت در رشت به چاپ رسید که مشهورترین آنها نسیم شمال بود. از مهم‌ترین نشریات گیلان، جنگل بود که در ۱۳۳۵ مجاهدان جنگل در کسما، آن را منتشر کردند. این نشریه آرا و افکار آزادی‌خواهان جنگل را منعکس می‌کرد. در این دوره نشریات چپ در گیلان فعالیت چشمگیری داشتند. جرایدی چون کامونیست، ایران سرخ، فریاد جوانان و انقلاب سرخ، که در ۱۳۳۸ منتشر شدند، ناشر افکار کمونیستی بودند (همان: ۱۲۱، ۱۲۵).

جراید دینی و حوزوی. نخستین جراید دینی در دوره مظفری چاپ شد. هدف از تأسیس نخستین نشریه دینی، پاسخ‌گویی به «دُعای عیسویه» در باره دین اسلام بود. این مجله با عنوان الاسلام یا گفتگوی صفاخانه اصفهان، به مدیریت محمدعلی داعی‌الاسلام در ۱۳۲۰ در اصفهان منتشر شد. در دهه ۱۳۲۰ ش، نشریات دینی متعددی، نظیر آیین اسلام، پرچم اسلام، ایمان، نهضت اسلام، ندای حق، صدر اسلام، و عظمت اسلام، منتشر شد. گروهی از نشریات دینی، به مطالب اجتماعی و سیاسی، که غالباً انتقادی بودند، نیز می‌پرداختند. از جمله آنها آیین اسلام، به مدیریت نصرت‌الله نورینی، بود که نخستین شماره‌اش در فروردین ۱۳۲۳ منتشر شد و هدف آن «اظهار عظمت اسلام» و «احیای معالم دین» و تعالی «ایرانی در تحت لوای مقدس اسلام» بود. هر چند جنبه دینی این نشریه قوی بود، چنانکه آیت‌الله کاشانی (ج ۱، ص ۱۵) آن را «یگانه روزنامه دینی» خوانده بود، به

مباحث اجتماعی، از جمله به مسئله زنان، نیز می‌پرداخت و بر خانه‌نشینی آنان تأکید می‌ورزید. همچنین از عملکرد مجلس و دولت انتقاد می‌کرد و خواهان برقراری حکومت ملی بود.<sup>۱۷</sup> حاج سراج انصاری، از نویسندگان اصلی آیین اسلام و از جمله کسانی بود که بیشتر نشریات دینی را اداره یا با آنها همکاری می‌کرد.

دیگر نشریه این دوره، پرچم اسلام بود که به مدیریت عبدالکریم فقیهی شیرازی در ۱۳۲۵ ش منتشر شد. فقیهی شیرازی، که پزشک بود، علاوه بر پرداختن به مسائل دینی و سیاسی، در باره بیماریها و راههای درمان آنها نیز اطلاعاتی می‌داد. پرچم اسلام از فساد و بی‌بندوباری در جامعه ابراز نگرانی، و از کوتاهی حجج اسلام در نشر حقایق اسلام انتقاد می‌کرد.<sup>۱۸</sup> پرچم اسلام، که در آغاز به هیچ حزب و دسته‌ای وابسته نبود، از شماره ۳۱ ناشر افکار جمعیت جامعه مسلمین شد. در جریان ترور شاه در بهمن ۱۳۲۷، ضارب وی، ناصر فخرآرایی، کارت خبرنگاری این روزنامه را داشت (جامی و مرادی، ۱۳۹۲: ۵۰۳).

در ۱۳۲۸ ش، صدراسلام به مدیریت سیدحسین صدرشیرازی به طور هفتگی انتشار یافت. از جمله همکاران این نشریه، آیت‌الله محمدباقر کمره‌ای، محمدتقی حائری فر و ربانی شیرازی بودند که بر همسو بودن دین اسلام با سیر تمدن تأکید می‌کردند و کشورهای اسلامی را مهد دانش و پرورش دانشمندان اسلامی می‌دانستند.<sup>۱۹</sup> در شهریور ۱۳۲۹، نشریه عظمت اسلام به مدیریت عبدالحمید مشرقی و نشریه ندای حق به مدیریت حسن عدنانی وارد جامعه مطبوعاتی شدند. از جمله اهداف آنها، مبارزه با بی‌دینی و جدیت در امر به معروف و نهی از منکر بود. در ۱۳۳۱ ش، انجمن اسلامی کارکنان دولت، نهضت اسلام را به مدیریت سیدجلال کاشانی با شعار «روش ما، ترویج آئین مقدس جعفری است» به طور هفتگی منتشر کردند.<sup>۲۰</sup> نهضت اسلام نیز، همانند آئین اسلام، در طرح مسائل اجتماعی معمولاً به مسئله زنان، که در آن دوره موضوعی عام‌البلوی شده بود، می‌پرداخت.<sup>۲۱</sup>

<sup>۱۷</sup> . برای نمونه رجوع کنید به: «اگر زن خانه تربیت شود نوع بشر به سعادت موعود می‌رسد»، آیین اسلام، سال ۵، ش ۱۹، ۲۵ آبان ۱۳۲۷، ص ۲؛ «با این مجلس و این دولت‌ها وضع ما اصلاح‌پذیر نیست. باید در فکر مجلسی ملی و دولتی ملت‌خواه بود»، همان، سال ۵، ش ۱۲، ۴ آبان ۱۳۲۷، ص ۱

<sup>۱۸</sup> . «ایران در سر دو راهی»، پرچم اسلام، سال ۱، ش ۲۳، ۱۴ شهریور ۱۳۲۵، ص ۱؛ «تبلیغات اسلامی - نشریات مذهبی، اعلام خطر»، پرچم اسلام، سال ۱، ش ۲۵، ۲۸ شهریور ۱۳۲۵، ص ۱

<sup>۱۹</sup> . «محمد رسول‌الله»، صدر اسلام، سال ۱، ش ۱۲، ۱۷ دی ۱۳۲۸، ص ۱

<sup>۲۰</sup> . نهضت اسلام، سال ۱، ش ۱، ۱۷ دی ۱۳۳۱: ۱

<sup>۲۱</sup> . برای نمونه رجوع کنید به: حاج سراج انصاری، نهضت اسلام، سال ۱، ش ۱، ۱۷ دی ۱۳۳۱، ص ۱

در پی شکل‌گیری احزاب، انجمنها و سازمانهایی که اهداف سیاسی و در مواردی دینی داشتند، برای انتقال افکار خود، نشریات دینی - سیاسی منتشر کردند، از آن جمله روزنامه‌های مهر میهن، دموکراسی اسلامی، ملت ما، و مجمع مسلمانان مجاهد، ترجمان رسمی حزب مجمع مسلمانان مجاهد بودند و فدائیان اسلام نیز روزنامه‌های نبرد ملت و منشور برادری را منتشر می‌کردند. تشکیلات صرفاً دینی، نظیر انجمن تبلیغات اسلامی و اتحادیه مسلمین، نیز نشریاتی را به مثابه ترجمان افکار خود منتشر می‌کردند، از جمله این نشریات مجد و نور دانش (ترجمان انجمن تبلیغات اسلامی) و مجله مسلمین (ترجمان رسمی اتحادیه مسلمین) بود (حسینیان، ۱۳۸۵: ۱۱۱-۱۱۲). نشریات حوزوی از دهه ۱۳۳۰ ش، پس از آغاز تحول در حوزه علمیه قم، به جامعه مطبوعاتی پیوستند. پیش از آن حوزه با نشریات دینی همکاری چندانی نداشت و گاهی مقاله‌هایی از طلاب علوم دینی در این نشریات به چاپ می‌رسید. نخستین مجله دینی در قم، مجله مجموعه حکمت بود که در اردیبهشت ۱۳۳۲ منتشر شد و نشر آن تا ۱۳۴۹ ش ادامه یافت (نوروز مرادی، ۱۳۸۱: ۲۶۳). نخستین نشریه حوزوی، مجله درس‌هایی از مکتب اسلام است که شماره نخست آن در بهمن ۱۳۳۷ منتشر شد (دوانی، ۱۳۶۶: ۴۷-۵۱؛ همو، ۱۳۸۲: ۲۰۳-۲۰۵؛ سبحانی، ۱۳۷۷: ۱۹-۲۱؛ واعظزاده خراسانی، ۱۳۷۰: ۲۱۲-۲۱۳). نشر این مجله تاکنون (۱۳۸۵) ادامه دارد.

جراید طنز. یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در جریان مشروطه‌خواهی جراید طنز بودند. این نشریات، مسائل سیاسی و اجتماعی را با زبان طنز و غالباً انتقادی بیان می‌کردند. آشکار کردن ماهیت اصلی استبداد و مظاهر آن و شکستن ابّهت سیاستمداران در قالب طنز، توانمندی و جسارت این جراید را در دوران اختناق و در شرایطی که بیشتر نشریات سیاسی و جدی با احتیاط به این مسائل می‌پرداختند، نشان می‌دهد. ظاهراً نخستین نشریه طنز، نامه فکاهی دوغ به مدیریت میرزا احمد فیلی دوافروش بود که در ۱۲۹۷ در مازندران منتشر شد و خاص دولت‌مردان بود<sup>۲۲</sup>.

گام بعدی در خارج از مرزهای ایران برداشته شد. شاهسون، نشریه فکاهی و مخفی، در ۱۳۰۶ در استانبول به چاپ رسید. انتشار آن را به عبدالرحیم طالبوف تبریزی، با همراهی محمد شبستری (معروف به ابوالضیاء) که بعدها ایران نو را منتشر کرد، نسبت می‌دهند. آنان، برای اختفای محل نشر، ابتدا نشریه را به پاریس و لندن ارسال می‌کردند، سپس برای احتیاط آنها را در پاکتی می‌گذاشتند و روی پاکت نام دولتمردان ایران، بازرگانان و مجتهدان را می‌نوشتند و پاکت را به ایران می‌فرستادند (تربیت، ۱۳۷۶: ۴۵۶-۴۵۷). چهار سال پس از انتشار شاهسون، علی‌قلی صفروف در ۱۳۱۰، در دوره

<sup>۲۲</sup> رجوع کنید به: «طی یک قرن اخیر ۱۱۵ عنوان نشریه در مازندران منتشر شده است»، همشهری، ۱۵ آبان ۱۳۷۴،

اختناق ناصرالدین شاه، در تبریز شب‌نامه، نخستین نشریه فکاهی - انتقادی درون مرزی، را منتشر کرد. صفروف را «پدر مطبوعات فکاهی فارسی» خوانده‌اند. صفروف شب‌نامه را مخفیانه، با طنزهای نیش‌دار ملهم از اندیشه‌های جدید، و به‌طور نامرتب منتشر می‌کرد که در اوضاع سخت حاکم بر تبریز، عامل مؤثری در روشنگری مردم و تمهید مقدمات قیام آنان علیه استبداد بود (تربیت، ۱۳۷۶: ۴۶۱؛ باستانی پاریزی، ۱۳۵۴: ۱۲). صفروف علاوه بر شب‌نامه، نشریات فکاهی دیگری چون احتیاج، و اقبال را در ۱۳۱۶ و آذربایجان را در ۱۳۲۵ (پس از مشروطه) منتشر کرد. آذربایجان (مؤسس آن: میرزا آقابوری از تجار مشروطه‌خواه) به فارسی و ترکی، و به تقلید از روزنامه ملانصرالدین چاپ تغلیس، در تبریز به چاپ می‌رسید (تربیت، ۱۳۷۶: ۱۶۷؛ محیط طباطبائی، ۱۳۴۴: ۲۲۰).

جراید زنان. مشروطه موجی از تحولات اجتماعی و فرهنگی پدید آورد، که از آن جمله گشایش عرصه برای فعالیت زنان بود. در نخستین سال‌های دوره مشروطه و به فاصله ۷۵ سال از نشر نخستین روزنامه فارسی، نشریه زنان منتشر شد. آغاز روزنامه‌نگاری زنان، حاصل تفکری نوگرا و نیاز اجتماعی بود و بر این اساس نخستین گام را زنی تحصیل‌کرده برداشت و مجله‌ای با عنوان دانش در ۱۳۲۸ در تهران منتشر کرد. این نشریه به مدیریت دکتر کحال، دختر یعقوب جدیدالاسلام همدانی، با هدف ارتقای فرهنگ و دفاع از حقوق زن ایرانی در سی شماره به صورت هفتگی به مدت یک سال انتشار یافت (صدرهاشمی، ۱۳۶۴، ج ۲: ۲۶۶-۲۶۷). غالب مطالب این مجله، توصیه‌های اخلاقی به‌ویژه به دختران و انتقاد از بی‌حرمتیاها و بی‌مبالاتی‌های مردان در حق زنان بود. همچنین به سبب آشنایی مدیر نشریه با اصول بهداشتی و طبی، بخشی از آن نیز به مسائل سلامتی اختصاص داشت<sup>۳۳</sup>. دانش در ۱۳۲۹ تعطیل شد.

### نتیجه‌گیری

گیلان در بجهوه در وقایع دوره ۱۳۲۰-۱۳۳۲ که از زمان به تخت نشستن محمدرضا پهلوی تا زمان کودتای دارای ۸۲ نشریه بوده است که نقشی مهم و تأثیرگذار در روشن نمودن افکار عمومی و سازماندهی آنان داشته است.

با سقوط رضا شاه در شهریور ۱۳۲۰ و اشغال ایران توسط متفقین و دخالت‌های دولت‌های خارجی در امور ایران، رشد گروه‌ها و جریان‌های صنفی و سیاسی، نابسامانی در شهرها و روستاها، کمبود شدید ارزاق عمومی و ملی شدن صنعت نفت، درگیری‌های سیاسی و رقابت دولت‌های خارجی و متنفذین محلی و غیر محلی به صحنه مطبوعات کشیده شد. کثرت مطبوعات این عصر که پر

<sup>۳۳</sup> . برای نمونه رجوع کنید به: «خطاب به دوشیزگان»، دانش، سال ۱، ش ۱، ۱۳۲۸، ص ۲۸۶؛ «اخطار به مردان و جوانان»، همان، سال ۱، ش ۲، ۱۳۲۸، ص ۲۹۲؛ «حفظ الصحه هنگام شیوع وبا»، همان، سال ۱، ش ۴، ۱۳۲۸، ص ۳۱۰

هیجان‌ترین دوره آزادی نسبی برای مطبوعات ایران قبل از انقلاب بود و کاهش قدرت رژیم و فضای باز سیاسی امکان افشاگری را فراهم ساخت به گونه‌ای که انتشار بیش از هزار روزنامه و مجله (حزبی، دولتی، و...) معضلی در برابر رژیم شد، بویژه دوران مصدق که دوران آزادی مطلق در تاریخ مطبوعات بود؛ اما متأسفانه جز عده‌ای، اغلب روزنامه‌نگاران این دوره به جای بیان مشکلات اساسی جامعه، به رواج خشونت، بی‌بندوباری، افترا و هتاک‌ی در جهت عقیده خود یا گروه‌شان پرداخته یا برای جیب پر کردن یا بقای رژیم کوشیدند. برخی هم روزنامه‌نگاری را نردبان ترقی، به مقام وزارت و... قرار دادند. افرادی نیز چون دکتر فاطمی و کریم‌پور شیرازی جان بر سر قلم گذاشتند. تعداد نشریات دولتی به مدیریت از فرنگ برگشته‌ها، به ۱۲۹ عنوان رشد یافت.

از آغاز نشر مطبوعات در عصر مشروطه تا زمان تثبیت انقلاب ۵۷ بیش از ۲۰۰ نشریه در گیلان منتشر شده است. برای فهم بهتر رابطه‌ی میان ذائقه‌ی حاکمیت سیاسی و کیفیت کار مطبوعاتی، ملاحظه‌ی عدد نشریات منتشر شده از این حدود ۲۰۰ نشریه، به تفکیک دوره‌های مختلف تاریخی، می‌تواند موثر افتد.

- تعداد نشریات منتشر شده از عصر مشروطه تا پهلوی اول/دوره‌ی ۲۰ ساله (۱۲۸۶ تا ۱۳۰۵): ۶۸ نشریه که از این تعداد، ۳۱ نشریه فقط در دوره‌ی ۵ ساله‌ی مشروطه منتشر شده است.
- تعداد نشریات منتشر شده در عصر پهلوی اول/ دوره‌ی ۱۶ ساله (۱۳۰۵ تا ۱۳۲۰): ۱۸ نشریه.
- تعداد نشریات منتشر شده از زمان سقوط پهلوی اول تا پایان دولت ملی مصدق/ دوره‌ی ۱۲ ساله (۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲): ۸۲ نشریه که از این تعداد ۵۲ نشریه فقط در ۲ سال دولت مصدق منتشر شده است.
- تعداد نشریات منتشر شده پس از واقعه‌ی ۲۸ مرداد ۳۲ تا انقلاب ۵۷/ دوره‌ی ۲۵ ساله: ۲۰ نشریه. نکته این‌که بین سالهای ۵۴ تا ۵۷؛ پیش از پیروزی انقلاب، تنها دو روزنامه فریاد گیلان؛ به مدیریت احمد دلجو و بازار؛ به مدیریت گسگری و صالح‌پور، در گیلان منتشر می‌شد و الباقی نشریات یا توقیف شدند و یا با بهانه‌های رنگ به رنگ؛ تطمیع، تشویق یا تهدید! از ادامه‌ی انتشار باز ماندند.

بیشترین حجم چاپ و انتشار روزنامه و نشریه را در گیلان می‌توان حد فاصل ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ مشاهده نمود که این خواه ناخواه دارای تأثیراتی عمیق در نگرش ملی‌گرایانه به وقایع آن دوران داشته است

## منابع

- ۱) احمدی، خدابخش. (۱۳۸۵)، روانشناسی بحران، تهران؛ مرکز برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، معاونت نیروی انسانی ستاد مشترک.
- ۲) اسدی، علی. (۱۳۷۱). افکار عمومی و ارتباطات، تهران؛ انتشارات سروش، چاپ دوم.
- ۳) آدمیت، فریدون. (۱۳۵۶). اندیشه ترقی و حکومت قانون: عصر سپهسالار، تهران.
- ۴) باستانی پاریزی، محمدابراهیم. (۱۳۵۴). تلاش آزادی: محیط سیاسی و زندگانی مشیرالدوله پیرنیا، تهران؛ انتشارات نوین.
- ۵) براون، ادوارد. (۱۳۹۸). تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، ترجمه محمد عباسی، تهران؛ نشر علم، چاپ دوم.
- ۶) برزین، مسعود. (۱۳۴۴). سیری در مطبوعات ایران، تهران؛ بی جا.
- ۷) برزین، مسعود. (۱۳۵۴). مطبوعات ایران: ۵۳-۱۳۴۳، تهران؛ انتشارات بهجت، چاپ اول.
- ۸) برزین، مسعود. (۱۳۷۰). تجزیه و تحلیل آماری مطبوعات ایران: ۱۳۵۷-۱۳۱۵ ش، تهران؛ وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی.
- ۹) بهزادی، علی. (۱۳۸۱). «تاریخ شفاهی مطبوعات ایران، ۸: گفت‌وگو با دکتر علی بهزادی مدیر مجله سپید و سیاه»، بخارا، ش ۲۶، مهر-آبان؛
- ۱۰) جامی، پژوهش؛ مرادی، فرید. (۱۳۹۲). گذشته چراغ راه آینده است، تهران؛ انتشارات نگاه.
- ۱۱) جعفر سبحانی، جعفر. (۱۳۷۷). «تجربه‌ها و آیین‌های پژوهش در گفت‌وگو با آیت‌الله جعفر سبحانی»، مصاحبه، نمایه پژوهش، سال ۲، ش ۵ و ۶، بهار و تابستان.
- ۱۲) حجازی، مسعود. (۱۳۷۵). رویدادها و داوری: ۱۳۳۹-۱۳۲۹، خاطرات مسعود حجازی، تهران.
- ۱۳) حسین‌زاده، منصور. (۱۳۷۱). تاریخ مجلات کودکان، ج ۱، تهران؛ مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه، چاپ اول.
- ۱۴) حسینیان، روح‌الله. (۱۳۸۵). «مطبوعات دینی»، در مطبوعات اسلامی، تهران؛ انتشارات نگاه.
- ۱۵) حسینی، حسین. (۱۳۹۰). ارتباط اقناعی: از آموزه‌های عملی تا یافته‌های علمی، تهران: دانشگاه جامع اما حسین (ع)، دانشکده و پژوهشکده علوم اجتماعی و فرهنگی.
- ۱۶) خوش‌بیان، مسلم. (۱۳۸۴). افکار عمومی در سازمان، تهران؛ انتشارات سازمان مدیریت دولتی.
- ۱۷) دوانی، علی. (۱۳۶۶). «خاطرات حجت‌الاسلام آقای علی دوانی» (مصاحبه)، یاد، سال ۲، ش ۸؛
- ۱۸) روشندل اربطانی، طاهر. (۱۳۸۸). تدوین الگوی جامع مدیریت بحران با رویکرد نظم و امنیت، فصلنامه علمی و پژوهشی دانش انتظامی، سال دهم، شماره ۲.

- ۱۹) سفری، محمدعلی. (۱۳۹۹). قلم و سیاست، تهران؛ انتشارات نامک
- ۲۰) صدرهاشمی، محمد. (۱۳۶۴). تاریخ جراید و مجلات ایران، اصفهان؛ نشر کمال، چاپ دوم.
- ۲۱) طباطبائی، محمد. (۱۳۴۴). «صحنه‌ای از شرفیابی روزنامه نگاران بحضور رضاشاه»، سالنامه دنیا، سال ۲۱؛
- ۲۲) عاقلی، باقر. (۱۳۶۷). ذکاءالملک فروغی و شهریور ۱۳۲۰، تهران.
- ۲۳) فخرائی، ابراهیم. (۱۳۷۲). گیلان در جنبش مشروطیت، تهران؛ انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، چاپ سوم.
- ۲۴) فردوست، حسین. (۱۳۷۰). خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست، در ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، تهران: اطلاعات.
- ۲۵) قاسمی، فرید. (۱۳۷۰). «تاریخچه مطبوعات ورزشی ایران»، رسانه، سال ۲، ش ۳، پاییز.
- ۲۶) محمدعلی تربیت، محمدعلی. (۱۳۷۶). تاریخ مطبوعات ایران، تهران؛ انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ ششم.
- ۲۷) محمدی، جلال. (۱۳۸۲). بررسی الگوهای تأثیرپذیری مخاطبان از محتوای وسائل ارتباط جمعی، فصلنامه مصباح، دانشگاه امام حسین (ع)، شماره ۴۶.
- ۲۸) مصدق، محمد. (۱۳۵۸). اسناد نفت و نطق‌ها و نامه‌های تاریخی، تهران؛ انتشارات راستین
- ۲۹) مصدق، محمد. (۱۳۶۵). خاطرات و تألمات دکتر محمد مصدق، به کوشش ایرج افشار، تهران؛ انتشارات علمی.
- ۳۰) نواب بوشهری، مهدی. (۱۳۴۷). «بررسی مجلات اقتصادی ایران»، همان، ش ۱۴.
- ۳۱) نوروز مرادی، کوروش. (۱۳۸۱). «درآمدی بر چند نشریه تخصصی زنان»، پیام بهارستان، ش ۲۱، صفحات ۴-۱۱.
- ۳۲) نوزاد، فریدون. (۱۳۹۱). تاریخ جراید و مجلات گیلان: از آغاز تا انقلاب اسلامی، تهران؛ طبع و نشر.
- ۳۳) واعظزاده خراسانی، محمد. (۱۳۷۰). «مصاحبه با حجه الاسلام والمسلمین محمد واعظ زاده خراسانی»، حوزه، سال ۸، ش ۱ و ۲، فروردین - تیر.
- ۳۴) همایون، داریوش. (۱۳۷۷). «صد سال از روزنامه‌نگاری به سیاست: اندیشه‌هایی درباره دو 'کاریر، یک زندگی'»، ایران‌نامه، سال ۱۶، ش ۲-۳، بهار و تابستان.